

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه مازندران

دانشکده علوم اقتصادی و اداری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته حسابداری

موضوع:

بررسی رابطه بین سهامداران نهادی کوتاه مدت و بلند مدت

و مدیریت سود فرآینده در آمد شرکتها

استاد راهنما:

دکتر محمد کاشانی پور

استاد مشاور:

دکتر احمد احمد پور

نام دانشجو:

سید محمد باقرآبادی

تیر ماه ۱۳۸۹

سپاسگذاری

سپاس خدایی را که قلم را ارج نهاد و بر آن قسم یاد کرد و ضمیر انسان ها را به نور ایمان و چراغ علم منور گردانید و اندیشه و تفکر را جوهر وجودمان قرارداد.

پس از شکر خدا و به مصداق آیه "من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق" برخود واجب می دانم:

از استاد گرامی جناب آقای دکتر محمدکاشانی پور که در تمام مراحل تهیه و تنظیم پایان نامه به عنوان استاد راهنما اینجانب را مورد لطف و عنایت قرار دادند و همچنین جناب آقای دکتر احمد احمدپور که به عنوان استاد مشاور از راهنمایی های عالمانه ایشان بهره مند بوده ام تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین مراتب قدردانی ویژه خود از اساتید محترم داور که از راهنمایی های ایشان بهره جستم و سایر اساتید گروه حسابداری و مدیریت دانشگاه مازندران و نیز، از کلیه کسانی که در طول تحصیل دوره کارشناسی ارشد- حسابداری بنحوی اینجانب را در امر یادگیری خصوصاً "تحقیق، تدوین و اتمام پایان نامه یاری رسانده اند ابراز می دارم.

اگر این مختصر را ارزشی است، آن ارزش

تقدیم به بهترین های زندگی ام،

پدر و مادرم

اسوه های رنج و پایداری، عشق و محبت و تلاش و پشتکار که

افزون بر تشویق های کارساز درراه دانش اندوزی، همیشه مرا به

درک صحیح از زندگانی و حقیقت جویی رهنمون بوده اند.

و تقدیم به روح بزرگ برادرم

که در تمام لحظات زندگی تکیه گاه من است.

چکیده

سهامداران نهادی به دو گروه کلی دسته بندی می شوند، سهامداران نهادی کوتاه مدت و سهامداران نهادی بلند مدت. مطابق با ادبیات موضوع، سهامداران نهادی کوتاه مدت به دلیل تمرکز افراطی و بیش از اندازه بر روی عایدات جاری می توانند موجب ایجاد محرک های مختلف برای مدیران شرکتهای جهت انجام مدیریت سود فزاینده درآمد شرکت ها برای بهتر نشان دادن وضعیت جاری گردند. در مقابل سهامداران نهادی بلند مدت دارای افق بلند مدت سرمایه گذاری هستند و به ارزش ذاتی سهام در مقابل عایدات جاری توجه دارند، به بیان دیگر این گروه از سهامداران نهادی بیشتر نگران چشم انداز بلند مدت شرکت هستند و به همین دلیل دارای انگیزه های زیادی برای حضور در فعالیت های حاکمیت شرکتی و نظارت بر شرکت ها هستند، لذا مانع از انجام مدیریت سود فزاینده درآمد شرکت ها توسط مدیران می گردند.

هدف این تحقیق ارائه شواهدی در رابطه با نقش هر دو گروه سهامداران نهادی در برابر مدیریت سود فزاینده درآمد شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران است. این تحقیق در حیطه تحقیقات توصیفی پس رویدادی بوده و بررسی فرضیه های تحقیق به کمک تجزیه و تحلیل رگرسیون و به روش داده های تابلویی، از طریق ترکیب داده های سری زمانی و مقطعی و با استفاده از اطلاعات ۱۶۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۲ (جمعا ۸۲۵ سال-شرکت) انجام شده است. نتایج این تحقیق مطابق با انتظارات اولیه می باشد که نشان می دهد سهامداران نهادی کوتاه مدت تاثیری مثبت و معنادار و سهامداران نهادی بلند مدت تاثیری منفی و معنادار بر مدیریت سود فزاینده درآمد شرکت ها دارند.

کلید واژه: سهامداران نهادی کوتاه مدت و بلند مدت، اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت سود، حاکمیت شرکتی.

صفحه	عنوان
۱	فصل اول - کلیات تحقیق
۲	مقدمه
۵	۱-۱- تشریح و بیان موضوع تحقیق
۷	۲-۱- اهمیت موضوع
۸	۳-۱- اهداف تحقیق
۹	۴-۱- قلمرو تحقیق
۹	۵-۱- فرضیات تحقیق
۹	۶-۱- روش تحقیق
۱۰	۷-۱- جامعه مورد نظر تحقیق
۱۱	۸-۱- تعریف واژه ها
۱۲	۹-۱- ساختار کلی تحقیق
۱۴	فصل دوم - ادبیات تحقیق
۱۵	مقدمه
۱۶	۱-۲- تعاریف مدیریت سود
۱۸	۲-۲- مدیریت سود خوب در برابر مدیریت سود بد
۲۰	۱-۲-۲- مدیریت سود و تقلب
۲۰	۳-۲- مبانی نظری و فرضیه های موجود در خصوص مدیریت سود
۲۱	۱-۳-۲- فرضیه مکانیکی
۲۱	۲-۳-۲- فرضیه بازار کارا
۲۲	۳-۳-۲- تئوری اثباتی مدیریت سود

۲۴ فرضیه پاداش ۴-۳-۲
۲۵ فرضیه قرارداد بدهی ۵-۳-۲
۲۷ فرضیه هزینه های سیاسی ۶-۳-۲
۲۸ ساختار مالکیت و مدیریت سود ۷-۳-۲
۳۰ سایر انگیزه های مدیریت سود ۸-۳-۲
۳۳ نحوه عمل مدیران در خصوص مدیریت سود ۴-۲
۳۴ دیدگاه کارایی ۱-۴-۲
۳۵ دیدگاه فرصت طلبی ۲-۴-۲
۳۵ مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ۵-۲
۳۷ الگوهای مدیریت سود ۶-۲
۳۸ الگوی به دست آوردن آرامش ۱-۶-۲
۳۹ الگوی حداکثر کردن سود ۲-۶-۲
۴۰ الگوی حداقل کردن سود ۳-۶-۲
۴۰ الگوی هموارسازی سود ۴-۶-۲
۴۱ ابزارهای انجام مدیریت سود ۷-۲
۴۲ زمان بندی معاملات ۱-۷-۲
۴۲ استفاده از معاملات صوری ۲-۷-۲
۴۳ تغییرات و انتخاب های حسابداری ۳-۷-۲
۴۴ برآوردهای حسابداری ۴-۷-۲
۴۴ تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان ۵-۷-۲
۴۶ روشهای اندازه گیری مدیریت سود ۸-۲
۴۷ روش اقلام تعهدی ۱-۸-۲
۴۸ مدل هیلی ۱-۱-۸-۲

۴۹ مدل دی آنجلو ۲-۱-۸-۲
۵۰ مدل جونز ۳-۱-۸-۲
۵۱ مدل تعدیل شده جونز ۴-۱-۸-۲
۵۲ مدل صنعت ۵-۱-۸-۲
۵۳ روش اقلام تعهدی خاص ۲-۸-۲
۵۳ روش جمع اقلام تعهدی ۳-۸-۲
۵۴ روش توزیع نمونه ای ۴-۸-۲
۵۵ مدیریت سود و حاکمیت شرکتی ۹-۲
۵۷ تعریف حاکمیت شرکتی ۱۰-۲
۵۹ سیستمهای حاکمیت شرکتی ۱۱-۲
۶۰ سیستمهای درون سازمانی ۱-۱۱-۲
۶۰ سیستمهای برون سازمانی ۲-۱۱-۲
۶۱ تفاوت سیستمهای درون سازمانی و برون سازمانی ۳-۱۱-۲
۶۴ مکانیزم های حاکمیت شرکتی ۱۲-۲
۶۴ مکانیزم های درون سازمانی ۱-۱۲-۲
۶۵ مکانیزم های برون سازمانی ۲-۱۲-۲
۶۶ مکانیزم های حاکمیت شرکتی در ایران ۳-۱۲-۲
۶۶ نقش حسابرسان مستقل در حاکمیت شرکتی ۱۳-۲
۶۸ نقش ساختار مالکیت در حاکمیت شرکتی ۱۴-۲
۶۹ نقش سهامداران نهادی در حاکمیت شرکتی ۱۵-۲
۷۲ نقش سهامداران نهادی در ساختار مالکیت ۱-۱۵-۲
۷۴ اهداف و انگیزه های سهامداران نهادی ۲-۱۵-۲
۷۷ نقش سهامداران نهادی به عنوان ناظر در تئوری نمایندگی ۳-۱۵-۲

۷۹ نقش سهامداران نهادی در انتقال اطلاعات
۸۰ ۵-۱۵-۲- تاثیر میزان مالکیت سهامداران نهادی بر انگیزه ها
۸۱ ۶-۱۵-۲- توانایی و تمایل سهامداران نهادی به مداخله در حاکمیت شرکت ها
۸۴ ۱۶-۲- سهامداران نهادی و مدیریت سود
۸۸ ۱۷-۲- پژوهشهای علمی انجام شده
۸۸ ۱-۱۷-۲- تحقیقات انجام شده در سایر کشورها
۹۲ ۲-۱۷-۲- تحقیقات انجام شده در داخل کشور
۹۸ فصل سوم - روش تحقیق
۹۹ مقدمه
۹۹ ۱-۳- روش تحقیق
۱۰۳ ۲-۳- طرح مسئله و هدف تحقیق
۱۰۴ ۳-۳- فرضیات پژوهش
۱۰۶ ۴-۳- روش گردآوری اطلاعات
۱۰۶ ۵-۳- جامعه آماری
۱۰۷ ۶-۳- قلمرو تحقیق
۱۰۷ ۱-۶-۳- قلمرو موضوعی
۱۰۷ ۲-۶-۳- قلمرو مکانی
۱۰۷ ۳-۶-۳- قلمرو زمانی
۱۰۸ ۷-۳- متغیرهای تحقیق
۱۰۸ ۱-۷-۳- متغیرهای مستقل
۱۰۹ ۲-۷-۳- متغیر وابسته
۱۱۰ ۸-۳- روش های آماری و آزمون فرضیه ها
۱۱۰ ۱-۸-۳- معرفی مدل های مورد استفاده

۱۱۲ ۲-۸-۳- نحوه آزمون فرضیه های تحقیق
۱۱۷ ۳-۸-۳- استنتاج آماری از رگرسیون
۱۱۸ ۹-۳- نرم افزارهای رایانه ای مورد استفاده
۱۱۹ ۱۰-۳- اعتبار درونی و برونی تحقیق
۱۲۰ ۱۱-۳- بررسی فروض مدل رگرسیون خطی کلاسیک
۱۲۱ ۱-۱۱-۳- وجود خود همبستگی
۱۲۲ ۲-۱۱-۳- وجود ناهمسانی واریانس
۱۲۴ فصل چهارم - تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق
۱۲۵ مقدمه
۱۲۵ ۱-۴- نتایج آمار توصیفی
۱۲۷ ۲-۴- بررسی ناهمسانی واریانس
۱۲۸ ۳-۴- بررسی خود همبستگی
۱۳۰ ۴-۴- آزمون فرضیات تحقیق
۱۳۲ ۱-۴-۴- آزمون فرضیه اول
۱۳۲ ۲-۴-۴- آزمون فرضیه دوم
۱۳۳ ۳-۴-۴- بررسی اثر متغیرهای کنترلی
۱۳۴ ۵-۴- بررسی مدل بدون حضور متغیرهای کنترلی
۱۳۵ فصل پنجم - نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۳۶ مقدمه
۱۳۶ ۱-۵- خلاصه تحقیق
۱۳۸ ۲-۵- نتایج آزمون فرضیه اول
۱۳۸ ۱-۲-۵- مقایسه با نتایج تحقیقات گذشته
۱۳۹ ۳-۵- نتایج آزمون فرضیه دوم

۱۳۹ ۱-۳-۵- مقایسه با نتایج تحقیقات گذشته
۱۴۰ ۴-۵- نتیجه گیری کلی
۱۴۰ ۵-۵- پیشنهادات
۱۴۰ ۱-۵-۵- پیشنهادات مبتنی بر نتایج
۱۴۱ ۲-۵-۵- پیشنهادات برای تحقیقات آتی
۱۴۱ ۶-۵- محدودیت های تحقیق
۱۴۳ منابع و ماخذ
۱۴۸ پیوست ها
۱۴۸ پیوست ۱- فهرست شرکتهای نمونه
۱۴۹ پیوست ۲- آزمون (F) جهت تائید انتخاب روش اثرات ثابت
۱۵۰ پیوست ۳- آزمون آرچ جهت بررسی وجود ناهمسانی
۱۵۰ پیوست ۴- آزمون وایت جهت بررسی وجود نامسانی
۱۵۲ پیوست ۵- نتایج آمار توصیفی
۱۵۲ پیوست ۶- نتایج رگرسیون ترکیبی آزمون فرضیات موجود
۱۵۶ پیوست ۷- نتایج رگرسیون ترکیبی بدون حضور متغیرهای کنترلی
۱۵۹ پیوست ۸- نتایج حاصل از اجرای مدل اقلام تعهدی جونز

فهرست شکل ها

صفحه

عنوان

- شکل ۱-۲- سیستم حاکمیت شرکتی برون سازمانی ۶۲
- شکل ۲-۲- سیستم حاکمیت شرکتی درون سازمانی ۶۲
- شکل ۳-۲- روابط برقرار شده از طریق مکانیزم های داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی ۶۵

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۶۳	جدول ۱-۲- مشخصات سیستمهای درون سازمانی و برون سازمانی حاکمیت شرکتی
۹۶	جدول ۲-۲- خلاصه و جمع بندی تحقیقات انجام شده
۱۲۶	جدول ۱-۴- نتایج آماره های توصیفی
۱۲۷	جدول ۲-۴- نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM
۱۲۸	جدول ۳-۴- نتایج آزمون ناهمسانی وایت
۱۲۹	جدول ۴-۴- نتایج آزمون همبستگی پیرسون
۱۳۱	جدول ۵-۴- نتایج آزمون رگرسیون ترکیبی آزمون فرضیات
۱۳۴	جدول ۶-۴- نتایج آزمون رگرسیون ترکیبی بدون حضور متغیرهای کنترلی

فصل اول

کلیات تحقیق

مقدمه

سیر تکامل محیط های تجاری که ناشی از وقوع انقلاب صنعتی و تداوم آن در اروپای قرن نوزدهم بود، ایجاد کارخانه های بزرگ و اجرای طرحهای عظیمی چون احداث شبکه های سراسری راه آهن را می طلبید، که به سرمایه های پولی کلانی نیاز داشت. تامین چنین سرمایه هایی از امکانات مالی یک یا چند سرمایه گذار و حتی دولتهای آن زمان فراتر بود و از سویی، یک یا چند سرمایه گذار نیز آمادگی قبول خطر تجاری چنین فعالیت های بزرگی را نداشتند. از این رو با بهره گیری از دو دستاورد بزرگ و مفید انقلاب صنعتی یعنی سازماندهی و همکاری، نخستین شرکتهای سهامی شکل گرفتند که مسئولیت صاحبان سهام آنها محدود به مبلغ سرمایه گذاریشان بود. این قالب نوین (یعنی شرکتهای سهامی) راه حل مناسبی برای تامین سرمایه های کلان و توزیع مخاطرات تجاری بود. رشد و توسعه شرکتهای سهامی در گذر زمان به پیدایش و فزونی قشری از صاحبان سرمایه انجامید که در اداره شرکت ها مشارکت مستقیم نداشتند و از طریق انتخاب هیات مدیره، امور شرکت را هدایت و بر آن نظارت می کردند (شباهنگ، ۱۳۷۷: ۷).

با جداسدن مالکیت و مدیریت در شرکتهای سهامی، تضادمنافع^۱ بالقوه بین سهامداران و مدیران ایجاد می شود که این تضاد منافع تحت عنوان ((مشکل نمایندگی^۲)) بیان می شود. طبق تعریف جنسن و مک لینگ:

"رابطه نمایندگی عبارت است از قراردادی که به موجب آن یک یا چند نفر سهامدار یا سهامداران، فرد یا افرادی را به عنوان نماینده برای انجام برخی خدمات از طرف خود انتخاب می کنند. این خدمات به موجب قرارداد شامل داشتن اختیار برخی تصمیمات است."

¹ Conflict of interest

² Agency problem

این فرض که هر دو طرف در رابطه بالا به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند، دلالت بر این موضوع دارد که نماینده همیشه در جهت حداکثر کردن منافع موکل عمل نمی کند. موکل (سهامدار) می تواند کاهش و اختلاف منافع خود را از طریق پرداخت حقوق و مزایا و پاداش برای نماینده و قبول هزینه های نظارت (که به آن هزینه های نمایندگی^۱ نیز گفته می شود) برای محدود کردن اقدامات و فعالیتهای نابجای نماینده، تعدیل کند. از سوی دیگر حسابداری تعهدی، حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره های زمانی متفاوت اعطا می کند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشمگیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند، همچنین مدیران در سیستم حسابداری تعهدی، باگزینه های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها نیز روبرو هستند، از جمله تشخیص سریعتر درآمد از طریق فروش های نسبی. این گونه عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان "مدیریت سود"^۲ یاد می شود. دی جورج و همکاران، مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص و یا تامین اهداف و منافع شخصی مدیران تعریف می کنند. به نظر ایشان، در واقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه گذاران در واحد تجاری است. [۲۰]

با توجه به مطالب گفته شده مشخص می گردد بین مدیران و سهامداران شرکت عدم تقارن اطلاعاتی^۳ وجود دارد و سهامداران نمی توانند اعمال و فعالیتهای مدیران را به طور مستمر مشاهده کنند، که این عدم تقارن اطلاعاتی باعث ایجاد دو مشکل انتخاب نامطلوب^۴ و خطر اخلاقی^۱ می شوند.

^۱ Agency costs

^۲ Earnings management

^۳ Asymmetric information

^۴ Adverse selection: نوعی عدم تقارن اطلاعاتی است، که به موجب آن یک شخص یا گروه، نسبت به سایر گروههای درگیر در یک معامله تجاری یا بالقوه، مزیت اطلاعاتی دارد.

یکی از مکانیزمهای موجود به منظور تخفیف مساله نمایندگی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران، نظام حاکمیت شرکتی^۲ است. سازوکارهای حاکمیت شرکتی مختلفی وجود دارد از قبیل حسابرس مستقل شرکت، کنترلهای داخلی، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی، مدیران غیر موظف و سهامداران نهادی.

این نکته قابل تامل است که در رابطه با سهامداران نهادی دو دیدگاه موجود است، دیدگاه سهامداران نهادی کوتاه مدت^۳ در این مورد بحث می کند که سهامداران نهادی به منظور بالا بردن عایدات جاری خود باعث ایجاد انگیزه برای مدیران در راستای انجام مدیریت سود می شوند و دیدگاه سهامداران نهادی بلند مدت^۴ فرض می کند که سهامداران نهادی به عنوان یک مکانیزم مکمل حاکمیت شرکتی موجب کاهش انگیزه های مدیریت سود می شوند. در این تحقیق رابطه بین سهامداران نهادی کوتاه مدت و بلند مدت و مدیریت سود فزاینده درآمد شرکتها مورد بررسی قرار می گیرد.

¹ Moral hazard: نوعی عدم تقارن اطلاعاتی است، که به موجب آن یک شخص یا گروه در گیر در یک معاملع تجاری یا بالقوه می توانند فعالیتها و اعمال دیگر گروهها را ببینند، اما دیگران نمی توانند اعمال وی را مشاهده نمایند.

² Corporate governance

³ Short-term institutional investors

⁴ Long-term institutional investors

۱-۱- تشریح و بیان موضوع تحقیق:

محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی متأثر از روشها و برآوردهای حسابداری است و این امر فرصتی را برای مدیران فراهم می آورد، تا با استفاده از تکنیکهای متنوع، سود حسابداری گزارش شده را مدیریت کنند. اسکات در سال ۱۹۹۷ مدیریت سود را به عنوان انتخاب سیاستهای حسابداری به منظور دستیابی به برخی اهداف خاص تعریف کرده است. یکی از روشهای موجود برای اعمال نظارت بر رفتار مدیریت، مکانیزم حاکمیت شرکتی است. از سوی دیگر نقش سهامداران نهادی در حاکمیت شرکتی و حضور آنها در شرکتهای موضوع اغلب بحثهای سالهای اخیر بوده است. به نحوی که همواره فرض شده است که سهامداران نهادی می توانند موجب کاهش مدیریت سود می شوند.

در این زمینه نظریه های مختلفی وجود دارد، اولپر و سوکوبین^۱ (۱۹۹۵)، اسمیت^۲ (۱۹۹۶)، بلک^۳ (۱۹۹۸)، بیان داشته اند که سهامداران نهادی بیشتر بر روی عایدات جاری متمرکز هستند و از درگیر شدن در مسائل کنترلی و پذیرفتن نقش فعال در مکانیزم حاکمیت شرکتی پرهیز می کنند. برعکس این نظریه، در تحقیقات دیگران مانند بوشی و راجگوپال^۴ (۲۰۰۱) عنوان گردیده است که سهامداران نهادی، نقش فعالی را در زمینه نظارت و کنترل بر فعالیت های مدیریت برعهده دارند. در این تحقیق فرض نمی شود که این دو نظریه باهم ناسازگار هستند، بلکه به بررسی این موضوع می پردازیم که آیا انواع مختلف سهامداران نهادی می توانند بر مدیریت سود تاثیر متفاوتی داشته باشند یا خیر؟ در این راستا از سطوح مختلف سهامداران نهادی به عنوان تقریبی از انواع مختلف سهامداران نهادی استفاده شده است، به نحوی که سطوح پایین سهامداران نهادی تقریبی از سهامداران نهادی کوتاه مدت و سطوح بالای سهامداران نهادی تقریبی از سهامداران نهادی بلندمدت در نظر گرفته شده است.

¹ Olper & sokobin

² Smith

³ Black

⁴ Bushee & Rajgopal

دیدگاه مربوط به سهامداران نهادی کوتاه مدت چنین بیان می کند که این سهامداران به صورت افراطی و بیش از اندازه بر عایدات جاری تمرکز می کنند، به جای اینکه به عایدات بلند مدت که توسط قیمت سهام اندازه گیری می شود متمرکز باشند. بوشی (۲۰۰۱)، کو^۱ (۲۰۰۳)، امایان پنگ^۲ (۲۰۰۶).

در همین راستا، بوشی در تحقیقات خود پی برد که سرمایه گذاران نهادی کوتاه مدت تمایل بسیار زیادی به عایدات کوتاه مدت دارند، که این مسئله را به عنوان عدم ارزیابی قیمت سهام درجایی که عایدات کوتاه مدت (بلندمدت) وزن بیشتری (کمتری) دارند معنی کرد. این افق کوتاه مدت، سهامداران نهادی را از انجام هزینه های نظارت باز می دارد، زیرا بعید است که منافع این نظارت در کوتاه مدت نصیب آنها شود. تمرکز افراطی و بیش از حد بر روی عایدات جاری توسط این گروه از سهامداران نهادی می تواند موجب ایجاد محرکهای مختلف برای مدیران شرکتها در راستای انجام مدیریت سود به جهت بالا بردن عایدات جاری شود. از سوی دیگر، دیدگاه سهامداران نهادی بلندمدت چنین بیان می کند که وقتی مالکیت سهام شرکتها در دست تعداد کمی از سهامداران نهادی متمرکز باشد، مشکلات ناشی از جدایی مالکیت و کنترل تا حد بسیار بالایی کاهش پیدا می کند. هنگامی که درصد سهام تحت تملک بالا باشد، خروج از شرکت هزینه بیشتری دارد، زیرا فروش حجم بالای سهام معمولاً "مستلزم اعطای تخفیفات عمده است، همچنین به دلیل اینکه ارزش پولی سهام زیاد می شود در صورت غیرفعال ماندن سهامداران نهادی و یا آگاه نبودن از عملکرد ضعیف شرکتهای موجود در پرتفوی، در معرض زیان بیشتری نسبت به سرمایه گذارانی که منافع کمتری دارند قرار می گیرند. به بیان دیگر سهامداران نهادی بلند مدت بیشتر نگران چشم اندازهای بلند مدت شرکت هستند و دارای انگیزه های زیادی برای حضور فعال در فعالیتهای حاکمیت شرکتی و نظارت بر شرکتها هستند و می توانند موجب کاهش مدیریت سود شوند.

¹ Koh

² Emma yan peng

این سرمایه گذاران از طریق فعالیتهای نظارتی خود، درک بهتری از شرایطی که عملکرد شرکتها راتحت تاثیر قرار می دهد دارند، و احتمال کمتری دارد تا مدیران شرکت های موجود در پرتفوی خود را به دلیل سود پایینی که ناشی از مدیریت ضعیف آنها نیست جریمه کنند. به همین دلیل باعث ایجاد محرکهای اعمال مدیریت سود توسط مدیریت نمی شوند و می توانند به عنوان یکی از ابزارهای مکمل مکانیزم حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار گیرند.

دراین تحقیق، رابطه بین سهامداران نهادی کوتاه مدت و سهامداران نهادی بلند مدت با مدیریت سود فزاینده درآمد شرکتها مورد آزمون قرار گرفته است.

۱-۲- اهمیت موضوع:

در روابط نمایندگی، هدف مالکان حداکثر سازی ثروت است و لذا به منظور دستیابی به این هدف برکار نماینده نظارت می کنند و عملکرد او را مورد ارزیابی قرار می دهند. یکی از مکانیزمهای مورد استفاده دراین زمینه، نظام حاکمیت شرکتی است که با استفاده از سازوکارهای متنوعی مانند مالکیت سهامداران نهادی، با نظارت بر کیفیت اطلاعات افشاء شده توسط مدیران، باعث انگیزه بخشیدن به مدیریت شرکت می شوند. چون دامنه وسیعی از ساختار و اثربخشی مالکیت در شرکتهای سهامی عام وجود دارد، به نظر می رسد که کیفیت نظارت بر فعالیتهای مدیران در بین شرکتهای مختلف متفاوت باشد. دراین صورت سوال مطرح این است که: اگر مالکان شرکت را سهامداران نهادی تشکیل دهند، عملکرد آنها چگونه خواهد بود؟ باتوجه به وجود دیدگاههای متفاوت درخصوص سهامداران نهادی آیا حضور این سرمایه گذاران در ساختار مالکیت شرکتها در هر سطحی به عنوان یک سازوکار حاکمیت شرکتی عمل می کند؟ ویا سرمایه گذاران نهادی در سطوح مختلف عملکرد متفاوتی خواهند داشت؟